

در دو قسمت پیش به طرح موضوع و شخصیت حقوقی صندوق سرمایه گذاری مشترک پرداختیم. اهداف، موضوع فعالیت، ساختار سرمایه، ارکان، هزینه‌های سرمایه گذاری و چگونگی تقسیم سود در قسمت اول تشریح شد تا بتواند در محیط حقوق مالیاتی استفاده شده و امکان استخراج احکام مالیاتی مناسب را فراهم آورد. اما پیش از ورود به تجزیه و تحلیل و پیشنهاد مقررات مالیاتی، لازم بود هویت صندوق سرمایه گذاری مشترک از نظر وجود یا عدم وجود شخصیت حقوقی ارزیابی گردد تا جایگاه آن در قانون مالیات‌های مستقیم تعیین شود. بدین منظور، قسمت دوم «مقررات مالیاتی صندوق سرمایه گذاری مشترک» به تشریح مختصر مفهوم شخصیت حقوقی و تجزیه و تحلیل آن در حوزه‌های مختلف حقوقی از طریق قوانینی شامل تجارت، مدنی، بازار اوراق بهادار و مالیات‌های مستقیم اختصاص یافت و ادعا شد که شخصیت حقوقی را باید به دو دسته رسمی و قراردادی تقسیم نمود. به موجب این تقسیم‌بندی، شخصیت حقوقی رسمی یا در چارچوب باب پانزدهم قانون تجارت شامل انواع شرکت‌های تجاری و همچنین تشکیلات و موسساتی که برای مقاصد غیرتجاری تأمین می‌شوند، صلاحیت قانونی پیدا می‌کند و یا به موجب حکم صریح سایر قوانین به برخورداری از شخصیت حقوقی، رسمیت می‌یابد. در غیر از موارد فوق و منصرف از اطلاق شخص حقیقی، سایر موجودیت‌ها در دسته اشخاص حقوقی قراردادی قابل طبقه‌بندی است. بنابراین، تقسیم‌بندی صندوق سرمایه گذاری مشترک شخص حقوقی قراردادی است که پس از اخذ مجوز سازمان بورس و اوراق بهادار، از صلاحیت تخصصی برخوردار می‌گردد. با این حال، موسسین صندوق این اختیار را دارند که صندوق را براساس قانون تجارت در مرجع ثبت شرکت‌ها و ترجیحاً به عنوان یک موسسه غیرتجاری انتفاعی به ثبت برسانند تا در ردیف شخصیت حقوقی رسمی قرار گیرد.

مقررات مالیاتی صندوق سرمایه گذاری مشترک

«قسمت پایانی»

مالیات‌های صندوق

سعید جمشیدی فرد

عضو شورایعالی انجمن حسابداران خبره ایران

مقدمه

تصویب و منتشر نشده است. لذا جمع‌بندی حاضر، صرفاً در برگیرنده پیشنهاد‌های مبتنی بر کارشناسی انجام شده در محیط حقوق مالیاتی می‌باشد که امید است در تنظیم مقررات مربوط، مورد استفاده قرار گیرد.

سطوح مالکیت

با توجه به بررسی که در خصوص شخصیت حقوقی صورت گرفت، مقررات مالیاتی صندوق سرمایه گذاری مشترک در

با در نظر گرفتن بررسی‌ها و جمع‌بندی دو قسمت گذشته، در نظر است تا چارچوبی برای مقررات مالیاتی صندوق سرمایه گذاری مشترک پیشنهاد شود. قابل ذکر است که با وجود پیگیری‌ها و تلاش‌هایی که از سوی سازمان بورس و اوراق بهادار جهت تبیین مقررات مالیاتی و توافق با سازمان امور مالیاتی صورت گرفته، تا تاریخ تهیه این نوشتار هیچ‌گونه مقررات مالیاتی در مورد صندوق سرمایه گذاری مشترک

بهاداری که نزد اشخاص ثالث صادر یا گواهی شده باشد، برخوردار نیست و هرچند عملیات صندوق تحت نظارت سازمان بورس و اوراق بهادار است، عملاً واحد سرمایه‌گذاری سندی عادی است که رابطه قراردادی بین سرمایه‌گذاران و صندوق را نشان می‌دهد. لذا به تبع عدم شناسایی موجودیت صندوق در قانون مالیات‌های مستقیم، واحدهای سرمایه‌گذاری واجد هویت مشابه سهم، سهم‌الشرکه، اسناد تجارتي و دیگر اوراق و مدارک موضوع قانون مالیات‌های مستقیم از جمله فصل حق تمبر موضوع مواد ۴۴ الی ۵۱ ق م م نمی‌باشند.

درآمدهای صندوق

صندوق سرمایه‌گذاری مشترک در حال حاضر فقط می‌تواند در دارایی‌های ریالی داخل کشور سرمایه‌گذاری کند. دارایی‌های مزبور عبارت از سهام و حق تقدم سهام پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، اوراق مشارکت و سایر اوراق با مشخصات خاص، گواهی‌های سپرده و هر نوع سپرده‌گذاری نزد بانک‌ها و موسسات مالی اعتباری مجاز می‌باشد. با در نظر گرفتن محدوده تملک دارایی‌ها به شرح فوق و سوابق فعالیت صندوق‌ها در طی حداکثر نه‌ماه گذشته، درآمدهای صندوق به شرح زیر تفکیک و از نظر مالیاتی ارزیابی می‌گردد:

سود حاصل از نقل و انتقال سهام، حق تقدم و سایر اوراق بهادار به موجب تبصره یک ماده ۱۴۳ ق م م "از هر نقل و انتقال سهام شرکت‌ها در بورس و همچنین سایر اوراق بهاداری که در بورس معامله می‌شوند، مالیات مقطوعی به میزان نیم درصد ارزش فروش سهام و حق تقدم سهم وصول و از این بابت وجه دیگری به عنوان مالیات بر درآمد نقل و انتقال سهام و حق تقدم سهام مطالبه نخواهد شد". قابل ذکر است که نقل و انتقالات فوق الزاماً منجر به کسب درآمد و سود نشده و گاهی به فروشنده زیان تحمیل می‌کند. در هر حال، نظر به مقطوع بودن این مالیات و بدون توجه به تحصیل سود و یا تحمل زیان، مالیات دیگری به معاملات مزبور تعلق نمی‌گیرد.

بنابراین، صندوق سرمایه‌گذاری مشترک چه در قالب شخصیت حقوقی رسمی فعالیت کند و یا قراردادی باشد، از بابت عملیات نقل و انتقال سهام، حق تقدم سهام و همچنین سایر اوراق بهاداری که در بورس معامله می‌شود، مشمول مالیات دیگری نخواهد شد.

دو حالت شخصیت حقوقی رسمی و شخصیت حقوقی قراردادی، می‌بایست بررسی و ارزیابی گردد. در حالت اول، اگر چه پیش‌بینی گردید که این امر به‌طور اختیاری امکان‌پذیر است، ولی در این صورت باید به ساختار و طبقات مالکیت در تطابق با مقررات بازار اوراق بهادار شامل اساسنامه و امیدنامه توجه ویژه شود. همان‌گونه که اشاره شد، سرمایه‌گذاران در صندوق به دو گروه ممتاز (موسسین) و عادی تقسیم می‌گردند. گروه اول، دارنده واحدهای سرمایه‌گذاری هستند که قابل انتقال و غیرقابل ابطال است. واحدهای گروه دوم نیز غیرقابل انتقال و ابطال‌شدنی می‌باشد. این در حالی است که مجموع این واحدها، سرمایه صندوق را تشکیل می‌دهد. در این حالت و در صورت ثبت صندوق به عنوان موسسه، طبقه مالکیتی دیگری مطرح می‌گردد که با توجه به در گردش و غیر ثابت بودن سرمایه صندوق (واحدهای سرمایه‌گذاری) در مقایسه با سرمایه معمولاً ثابت موسسه (سهم‌الشرکه)، طبعاً صاحبان سرمایه موسسه نباید از سرمایه‌گذاران عادی باشند.

تفصیل تعارضات و ابهامات این ساختار، مستلزم بررسی و تحقیق دیگری است. چنین تحقیقی باید پاسخ‌ها و ترکیب‌های مناسبی برای مواردی چون طبقات متعدد مالکیت شامل مالکیت بر اوراق سهام، حق تقدم، اوراق مشارکت و سپرده‌های بانکی توسط صندوق، مالکیت بر واحدهای سرمایه‌گذاری توسط سرمایه‌گذاران ممتاز و عادی و مالکیت بر سرمایه موسسه توسط فرضاً سرمایه‌گذاران ممتاز، طراحی اساسنامه موسسه در تطابق با اساسنامه صندوق، مدت فعالیت محدود صندوق در مقایسه با نامحدود بودن این مدت در موسسه و جایگاه مدیران و شرکای موسسه و ارکان صندوق، ارائه نماید.

با این حال، در حالت شخصیت حقوقی قراردادی، پیچیدگی‌های فوق کمتر به نظر می‌رسد؛ اگر چه ایراد اصلی از یک سو نبود هویت قانونی صندوق سرمایه‌گذاری مشترک در قانون مالیات‌های مستقیم و از سوی دیگر، لزوم الحاق احکام مرتبط در قانون مزبور و قانون بازار اوراق بهادار می‌باشد. با توجه به وضعیت مالکیت در هر صورت احکام مالیاتی مربوط به دارایی‌های صندوق شامل اوراق سهام و مشارکت، حق تقدم و سپرده‌ها، کاملاً روشن و صریح است. ولی حتی در شرایطی که صندوق در قالب موسسه باشد و یا غیر، از اعتبار سند رسمی و اوراق

درآمد حاصل از سود سهام

با توجه به ضرورت تحصیل و خرید سهام، بخشی از درآمد صندوق سرمایه‌گذاری مشترک از محل سود سهام شرکت‌های مورد سرمایه‌گذاری تامین می‌گردد. به موجب ماده ۱۰۵ ق م م، جمع درآمد شرکت‌ها که از منابع مختلف در ایران یا خارج از ایران تحصیل می‌شود، پس از وضع زبان‌های حاصل از منابع غیر معاف و کسر معافیت‌های مقرر به استثنای موادی که طبق مقررات قانون دارای نرخ جداگانه‌ای می‌باشد، مشمول مالیات به نرخ بیست و پنج درصد خواهد بود. بنابر این مقررات و به موجب تبصره ۴ ماده ۱۰۵ ق م م "اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی نسبت به سود سهام یا سهم‌الشرکه دریافتی از شرکت‌های سرمایه‌پذیر، مشمول مالیات دیگری نخواهند بود".

با توجه به مراتب فوق، سودی که صندوق سرمایه‌گذاری مشترک از محل سرمایه‌گذاری‌های خود در سهام دریافت می‌نماید، خالص بوده و مشمول مالیات دیگری نخواهد بود.

سود اوراق مشارکت

در صورتی که صندوق بخشی از دارایی‌های خود را در اوراق مشارکت سرمایه‌گذاری کرده باشد، در چارچوب شرایط و خصوصیات اوراق مشارکت خریداری شده، سود دریافت می‌دارد. به موجب بند ۵ ماده ۱۴۵ ق م م، سود و جوائز متعلق به اوراق مشارکت به هر عنوان از پرداخت مالیات معاف است. بنابراین، اخذ مالیات از سود اوراق مشارکت دریافتی مجاز نمی‌باشد.

سود سپرده‌های نزد بانک‌ها و موسسات اعتباری

از آنجا که صندوق سرمایه‌گذاری مشترک مجاز به تخصیص بخشی از منابع خود به سپرده‌های نزد بانک‌ها و موسسات مالی اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است، درآمدهای آن می‌تواند شامل سود دریافتی از محل چنین سپرده‌هایی باشد. براین اساس و با عنایت به بند ۲ ماده ۱۴۵ ق م م، سود یا جوائز متعلق به حساب‌های پس‌انداز و سپرده‌های مختلف نزد بانک‌های ایرانی یا موسسات اعتباری غیربانکی مجاز از پرداخت مالیات معاف بوده و در صورت تحصیل سود سپرده توسط صندوق، مالیاتی به آن تعلق نخواهد گرفت.

کارمزد ابطال واحدها

براساس مقررات صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک،

دارندگان واحدهای سرمایه‌گذاری عادی می‌توانند درخواست ابطال واحدهای سرمایه‌گذاری را نموده و سهم خود را از دارایی‌های صندوق پس از کسر بدهی‌ها و سایر هزینه‌ها دریافت کنند. به عبارت دیگر، با توجه به غیرقابل انتقال بودن واحدهای سرمایه‌گذاری عادی، با چنین درخواستی صندوق ملزم به ابطال واحدهای متقاضی و پرداخت ارزش آن است. با توجه به مقررات و به منظور اجرای این تقاضا، متناسب با مدت سرمایه‌گذاری جریمه و یا کارمزدی بابت ابطال واحد محاسبه و از مبلغ قابل پرداخت به متقاضی کسر می‌گردد. اگر چه این کارمزد نوعی درآمد تلقی می‌گردد، ولی به نوعی مقرراتی بازدارنده است که نسبت به آن دسته از سرمایه‌گذارانی که پیش از مواعد متعارف تقاضای ابطال می‌نمایند، اعمال شده و اصولاً جنبه و انگیزه انتفاعی ندارد. به هر حال در صورت تحقق شرایط ابطال، کارمزدهای ابطال اعم از ثابت و متغیر باید جزء درآمد محسوب گردد. بدیهی است عملیات ابطال خود هزینه‌هایی را در برداشته و از نظر مالیاتی، درآمد ابطال باید با هزینه‌های ابطال و دیگر هزینه‌های صندوق مقابله گردد.

هزینه‌های صندوق

همان گونه که در قسمت اول اشاره شد، به منظور کنترل ریسک سرمایه‌گذاری در صندوق، هم عملیات کسب درآمد در محدوده مشخصی باید صورت گیرد و هم هزینه‌های قابل تحمل باید تعریف شده باشد. هزینه‌های متعارف صندوق سرمایه‌گذاری مشترک شامل هزینه‌های تاسیس، برگزاری مجامع، حق پذیرش و عضویت در کانون‌ها، حق الزحمه حسابرس و کارمزدهای پرداختی یا تخصیصی به مدیر، متولی و ضامن و همچنین حق الزحمه و کارمزد تصفیه صندوق می‌باشد.

صرف نظر از شمول یا عدم شمول مالیات به صندوق با رعایت مواد ۱۴۷ الی ۱۵۰ ق م م، به طور کلی هزینه‌های اشاره شده در زمره هزینه‌های قابل قبول تلقی می‌شوند.

مالیات بر درآمد

با توجه به تفکیکی که از درآمدهای صندوق به عمل آمد، به دلیل وضع مالیات مقطوع از نقل و انتقال سهام و حق تقدم سهام، کسر مالیات سود سهام در منبع و معافیت سود اوراق مشارکت و سپرده‌های بانکی و موسسات مالی اعتباری

ذکر این نکته نیز ضروری به نظر می‌رسد که با در نظر گرفتن مشمول مالیات نبودن درآمدها، صندوق مخارجی را متحمل می‌شود که با وجود محدود بودن مصارف آن برای اجرای اهداف و مأموریت‌های صندوق لازم و اجتناب‌ناپذیر و از شرایط و الزامات اعتبار مجوز سازمان بورس و اوراق بهادار می‌باشد و صندوق نمی‌تواند منصرف از تعهد و پرداخت آن گردد.

با توجه به مراتب فوق، اگر چه موجودیت صندوق سرمایه‌گذاری مشترک به صراحت در قانون مالیات‌های مستقیم شناسایی نشده است، ولی به عنوان یک نهاد مالی تا زمانی که دارای مجوز فعالیت از سازمان بورس و اوراق بهادار بوده و در چارچوب مقررات و عملیات تعیین شده فعالیت می‌نماید، مشمول مالیات بر درآمد نمی‌باشد.

مالیات‌های تکلیفی

به منظور تعیین حوزه مالیات‌های تکلیفی در مورد صندوق سرمایه‌گذاری مشترک، لازم است تا حالت برخورداری از شخصیت حقوقی رسمی و قراردادی بررسی گردد.

چنانچه صندوق سرمایه‌گذاری مشترک در قالب یک موسسه غیرتجاری انتفاعی و در چارچوب ماده ۵۸۴ قانون تجارت به ثبت رسیده باشد، مکلف به رعایت کلیه تکالیف قانونی مالیاتی مرتبط با سایر اشخاص می‌باشد. به عنوان مثال، تکلیف ماده ۱۰۴ ق م م بر کلیه اشخاص حقوقی اعم از انتفاعی و غیرانتفاعی مقرر شده است. لذا صندوق‌های دارای شخصیت حقوقی قانونی و رسمی نیز مانند بقیه اشخاص حقوقی موضوع این ماده مکلف هستند تا در هر مورد که بابت حق الزحمه حسابرسی، کارمزد ارائه خدمات به مدیر، ضامن و متولی، حق الزحمه و کارمزد تصفیه صندوق و هرگونه خدمات مندرج در ماده مزبور پرداخت می‌کنند، پنج درصد آن را به عنوان علی‌الحساب مالیات مودی (دریافت‌کنندگان وجوه) کسر و ظرف مدت سی روز به حساب تعیین شده از طرف سازمان امور مالیاتی واریز و رسید آن را به مودی تسلیم نمایند.

اما در موردی که صندوق فاقد شخصیت حقوقی به عنوان موسسه ثبت شده باشد، موضوع می‌تواند متفاوت تلقی شود. تکلیف ماده ۱۰۴ ق م م شامل وزارتخانه‌ها، موسسات دولتی، شهرداری‌ها، موسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها و کلیه اشخاص حقوقی اعم از انتفاعی و

مجاز، درآمدهای صندوق مشمول مالیات دیگری از جمله مالیات بر درآمد نخواهد بود. بدیهی است به فرض وقوع عملیات انتفاعی دیگر، به‌طور عمومی درآمدهای آن باید در چارچوب قانون مشمول مالیات گردد. از طرفی، اگر چه کارمزد ابطال واحدهای سرمایه‌گذاری عادی مبالغ مهمی را در صندوق تشکیل نمی‌دهد، ولی به دلیل عدم وجود حکم خاص و یا معافیت، آن را باید به عنوان درآمد مشمول مالیات تلقی نمود. با وجودی که کارمزدهای مزبور ناچیز است، ولی در منطق مالیاتی درآمد مزبور باید با هزینه‌های صندوق که عموماً از مصادیق هزینه‌های قابل قبول است مقایسه گردد تا در صورت شناسایی سود، مشمول نرخ و احکام مالیاتی مربوط شود.

قابل ذکر است که چنانچه صندوق به عنوان یک موسسه غیرتجاری در اداره ثبت شرکت‌ها به ثبت رسیده باشد، حکم مندرج در صدر ماده ۱۰۵ ق م م مبنی بر "... درآمد ناشی از فعالیت‌های انتفاعی سایر اشخاص حقوقی که از منابع مختلف در ایران یا خارج از ایران تحصیل می‌شود، پس از وضع زیان‌های حاصل از منابع غیرمعاف و کسر معافیت‌های مقرر به استثنای مواردی که طبق مقررات این قانون دارای نرخ جداگانه‌ای می‌باشد، مشمول مالیات به نرخ بیست و پنج درصد خواهند شد"، در مورد صندوق صدق پیدا می‌کند. به استناد این ماده، نقل و انتقال سهام و حق تقدم نرخ جداگانه‌ای داشته، سود سهام از حکم عدم مشمول مالیات برخوردار بوده و سود اوراق مشارکت و سپرده از مصادیق درآمدهای معاف است. اما در حالتی که صندوق فاقد شخصیت حقوقی رسمی باشد، از نظر قانون مالیات‌ها در زمره اشخاص مشمول مالیات موضوع ماده یک ق م م قرار می‌گیرد و از آنجا که نه موسسه و شرکت و نه شخص حقیقی، تلقی می‌شود با استفاده می‌توان از تعریفی که از شخصیت حقوقی قراردادی ارائه شد، آن را جزء شرکت‌های مدنی اختیاری موضوع تبصره ماده ۹۳ ق م م و با وجود تمرکز فصل مالیات بر درآمد مشاغل بر هویت شخصیت حقیقی و طبیعی، به‌شمار آورد در این صورت، صندوق را باید در یکی از سه تقسیم‌بندی ماده ۹۵ ق م م جستجو کرد. از آنجا که ماهیت اهداف و فعالیت صندوق را نمی‌توان در صاحبان مشاغل موضوع بندهای «الف» و «ب» ماده ۹۶ یافت، به‌ناچار می‌توان آن را در زمره اشخاص موضوع بند «ج» طبقه‌بندی نمود.

غیرانتفاعی بوده و در اصلاحیه بهمن‌ماه ۱۳۸۰ "اشخاص موضوع بند «الف» ماده ۹۵" قانون نیز به جمع مکلفین اضافه شده است.

اگر چه فصل چهارم باب سوم مالیات بردرآمد به مالیات بردرآمد مشاغل که ناظر بر اشخاص حقیقی است، تخصیص یافته و تحلیل انجام شده گویای این مطلب می‌باشد که صندوق منصرف از اطلاق عنوان، شخص حقیقی است؛ ولی با عنایت به تبصره ماده ۹۳ ق م م، شخصیت حقوقی قراردادی، صندوق را می‌توان در ردیف شرکت‌های مدنی قرار داد. در این صورت، باید بررسی نمود که آیا فعالیت صندوق می‌تواند در بین اشخاص موضوع بند «الف» ماده ۹۵ ق م م قرار گیرد یا خیر. با مرور صاحبان مشاغل موضوع این بند که در ماده ۹۶ ق م م در ۱۲ ردیف تعیین گردیده، می‌توان جمع‌بندی نمود که حتی نزدیک‌ترین عناوین مندرج در بندهای ۴ و ۸ فهرست مزبور نیز نمی‌تواند اهداف و فعالیت‌های صندوق را شامل شود. چنین نتیجه‌ای مانع از این می‌گردد که صندوق سرمایه‌گذاری مشترک فاقد شخصیت حقوقی رسمی را مکلف به رعایت تکلیف ماده ۱۰۴ ق م م دانست.

تکلیف تسلیم اظهارنامه

در تعیین مقررات تکلیف تسلیم اظهارنامه مالیاتی نیز اینکه صندوق سرمایه‌گذاری مشترک شخصیت حقوقی رسمی دارد یا خیر، اهمیت دارد. چنانچه صندوق به‌عنوان یک موسسه ثبت شده باشد، به‌استناد ماده ۱۱۰ ق م م مکلف به تسلیم اظهارنامه و ترازنامه و حساب سود و زیان متکی به دفاتر و اسناد و مدارک، حداکثر تا چهارماه پس از سال مالیاتی به اداره امور مالیاتی است که محل فعالیت اصلی شخص حقوقی می‌باشد. لیکن در غیروجود شخصیت حقوقی ثبتی در اداره ثبت شرکت‌ها، صندوق می‌تواند در چارچوب تبصره ماده ۹۳ ق م م، از مصادیق شرکت‌های مدنی اختیاری تلقی گردیده و به تناسب، تکالیف مقرر در فصل مالیات بردرآمد مشاغل را ملزم گردد. قابل ذکر است، اگر چه برخی از احکام این فصل بر هویت حقیقی مودی تاکید دارد، ولی به نظر می‌رسد که مناسب‌ترین جایگاه برای این اشخاص فصل مشاغل باشد. در این صورت به استناد ماده ۱۰۰ ق م م، صندوق‌های فاقد شخصیت حقوقی رسمی نیز مکلف به تسلیم اظهارنامه مالیاتی خواهند بود.

جمع‌بندی

با توجه به بررسی که از جایگاه صندوق سرمایه‌گذاری مشترک در محیط مالیاتی به عمل آمد، آنچه مسلم است به دلیل موخر بودن قانون بازار اوراق بهادار، موجودیت صندوق به‌طور مشخص در قانون مالیات‌های مستقیم شناسایی نشده و سازمان بورس و اوراق بهادار با صدور مجوز و ثبت آن بر صلاحیت تخصصی و حرفه‌ای آن به‌عنوان یکی از مصادیق نهادهای مالی صحه گذاشته و برخلاف دیگر نهادهای مالی قانون بازار اوراق بهادار، از پیش‌بینی احراز شخصیت حقوقی رسمی به‌عنوان یک شرکت یا موسسه، منصرف می‌باشد. اگر چه امکان ثبت صندوق سرمایه‌گذاری مشترک به‌عنوان یک موسسه غیرتجاری انتفاعی در اداره ثبت شرکت‌ها وجود دارد، ولی باید در تطابق مقررات مربوط به یک موسسه با مقررات و ضوابط تشکیل صندوق شامل اساسنامه و امیدنامه و متناسب‌سازی آنها، دقت و توجه ویژه‌ای مبذول شود.

علاوه بر بررسی‌هایی که در این نوشتار نسبت به تکالیف مالیاتی شامل تسلیم اظهارنامه و مالیات‌های تکلیفی صورت گرفت، جمع‌بندی نشان می‌دهد که به دلیل محدود بودن حوزه فعالیت صندوق سرمایه‌گذاری مشترک در دارای‌هایی که خود از احکام مالیاتی خاص، مقطوع، غیرمشمول و یا معاف برخوردار می‌باشند و به‌منظور کاهش ریسک سرمایه‌گذاران و شفافیت عملیات، بر ردیف‌های هزینه‌های مرتبط با فعالیت آن توسط سازمان بورس و اوراق بهادار نظارت می‌شود؛ صندوق سرمایه‌گذاری مشترک را تا زمانی که تحت مقررات تعیین شده فعالیت می‌نماید، نمی‌توان مشمول مالیات دانست.

در پایان، امیدوار است که این نوشتار در جهت اهداف حقوق مالیاتی و با عنایت به عدم وجود هرگونه احکام و مقررات مالیاتی خاص صندوق سرمایه‌گذاری مشترک، قابل استفاده و مفید باشد.

فهرست منابع:

- ۱- قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴/۹/۱
- ۲- قانون مالیات‌های مستقیم مصوب سال ۱۳۶۶ و اصلاحیه مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۷
- ۳- اصلاحیه اسفندماه ۱۳۴۷ قانون تجارت